



● درآمد

اخلاق حسنه شهید صدوقی در کنار محبت خالصانه ایشان نسبت به جوانان، به ویژه طلبه‌ها و توانائی علمی بالای وی، از ایشان یکی از زیباترین تصاویر را از مدرسی عالم و یگانه در یاد و خاطره شاگردان او بر جا گذاشته است. بدان گونه که از پس سالیان دراز، هنوز حلاوت آن در کام جان آنان مانده است.

«شهید صدوقی در قامت یک مدرس» در گفت و شنود شاهد یاران با

آیت الله ابوالقاسم وافی

## اخلاق حسنه ایشان مرا به طلبگی کشاند...

فرموده‌اید، به چگونگی آموزش ایشان اشاره‌ای داشته باشید.

اشتیاق به تعلیم و تربیت از ویژگی‌های روحی ایشان بود. بسیاری از علما و مراجعی که هم اکنون در حوزه‌های علمیه هستند، از خرمن تدریس ایشان بهره گرفتند و از بیانات شیوای ایشان استفاده کردند و مجلس درس و بحث ایشان یکی از پروتوق‌ترین مجالس به‌شمار می‌رفت. طلاب و فضلا چون پروانه وجود ایشان را دربر می‌گرفتند و با تدریس جالب ایشان مانوس بودند.

از دیگر ویژگی‌های ایشان ترویج مکتب با امر به معروف و نهی از منکر بود. کمتر کسی به‌خاطر دارد که آن شهید با منکری روبرو نشود و با آن مقابله نکند و یا معروفی متروک نشود و ایشان درصدد احیای آن برنیاورد و این از ویژگی‌های بندگان خاص خداوند است که به زندگی روح و نورانیت می‌بخشد.

در ساراه نحوه اجرای امر به معروف و نهی از منکر توسط ایشان، آیا خاطره‌ای دارید؟

اصولا مرحوم آیت الله صدوقی رضوان الله علیه روحیه‌ای داشتند که در برابر منکرات با بیان و قلم موضع‌گیری می‌کردند. کسانی که در دوران زندگی آن عالم ربانی با روش و منش ایشان مانوس بودند، به این واقعیت اعتراف می‌کردند و در دوران سیاه پهلوی اول و هنگام حضور آن شهید گرانمایه در حوزه علمیه قم، خاطراتی جالب از برخوردشان با آن دستگاه جبار برای ما نقل می‌کردند.

به عنوان نمونه در دوران قبل از انقلاب، یکی از اساتید دانشگاه که دکتر دامپزشکی بود، کتابی تالیف کرد که در آن برداشت‌های غلطی را از برخی آیات قرآن کریم آورده و همه ادیان توحیدی از جمله یهودیت، نصرانیت و اسلام را در مسیر واحدی دانسته و به نظر خودش، راه همه آنها را به عنوان صراط مستقیم معرفی و تفاوت بین آنها را منتفی دانسته بود. شهید صدوقی کتابی نوشتند و به عنوان گفتار یکی از دانشجویان، ضمن مردود شمردن نظریه دکتر، با لحنی قاطع و منطقی و با تمسک به محکمات قرآن، همه رشته‌های او را پنبه کردند، به گونه‌ای که برای بیان مطالب پوچ و بهره برداری از متشابهات، برای کسی زمینه‌ای نماند.

ایشان از نظر بیان و جهاد با زبان نیز چه هنگام تبلیغ و چه در موضع‌گیری عملی، بسیار قاطع بودند. در مسیر حرکت آن شهید از منزل تا مسجد روضه محمدیه، هرگاه منکری وجود داشت، افراد قبل از رسیدن ایشان، آثار منکر را از بین می‌بردند و اگر صاحب آن گناه متوجه حضور ایشان نمی‌شد، در مقابل مغازه با توفقی کوتاه و نگاهی تند، او را وادار به عذرخواهی می‌کردند. عموماً چهره‌های برجسته یا اهل خطابه هستند یا اهل قلم. به نظر شما آیت الله صدوقی در زمره کدامیک بودند؟

ایشان هم خطیبی توانا و هم نویسنده‌ای زبردست بودند. شهید صدوقی پرشورترین خطابه‌ها را ایراد می‌کردند و در ایام و لیالی

دو خصیصه را به‌خوبی در زندگی ایشان درک می‌کردند، چه آنکه که به‌صورت مدرسی عالی قدر در حوزه علمیه قم انجام وظیفه می‌کردند، چه آن وقت که از ناحیه مراجع بزرگ تقلید، تقسیم شهریه طلاب را برعهده داشتند، چه زمانی که در سنگر محراب و منبر به ارشاد و تبلیغ می‌پرداختند و چه در موقعیتی که عالم طراز اول استان یزد محسوب می‌شدند و بار رهبری فکری و مبارزاتی را به دوش می‌کشیدند، در همه این شرایط، روحیه زهد و زندگی بی‌الایش بر شئون زندگی‌شان حاکم بود، سبکبال بودند، ولی آثار خدمات و برکات وجودی‌شان در غالب نقاط محروم، از شهر و روستا مشاهده می‌شد و اقشار مختلف از سفره احسانشان بهره‌مند می‌گردیدند.

از دیگر صفات میرزا ایشان "زآفت و رحمت همراه با شدت و عظمت" بود. حضرت آیت الله شهید صدوقی نسبت به ضعیفان، مستمندان و مؤمنان به‌خصوص طلاب و محصلین علوم دینی بی‌شیرین لطف را داشتند و در مجالس پرجمعیتی که اقشار مختلف حضور داشتند، هرگاه طلبه‌ای هرچند مبتدی وارد می‌شد، تمام قامت جلوی او بلند می‌شدند. هرگاه بیچاره و بینوایی به ایشان مراجعه می‌کرد تا آنجا که در توان داشتند،

شهید صدوقی نسبت به ضعیفان، مستمندان و مؤمنان به‌خصوص طلاب و محصلین علوم دینی بیشترین لطف را داشتند و در مجالس پرجمعیتی که اقشار مختلف حضور داشتند، هرگاه طلبه‌ای هرچند مبتدی وارد می‌شد، تمام قامت جلوی او بلند می‌شدند. هرگاه بیچاره و بینوایی به ایشان مراجعه می‌کرد تا آنجا که در توان داشتند، برای رفع مشکل او اقدام می‌کردند، ولی در مقابل مستکبران و مرفهین بی‌دردی بی‌اعتنایی به قشر ضعیف و گرفتار، با نهایت شدت برخورد می‌کردند، یا آنان را عوض و یا از ضربه‌زدن به دیگران، مایوسشان می‌کردند.

برای رفع مشکل او اقدام می‌کردند، ولی در مقابل مستکبران و مرفهین بی‌درد و بی‌اعتنایی به قشر ضعیف و گرفتار، با نهایت شدت برخورد می‌کردند، یا آنان را عوض و یا از ضربه‌زدن به دیگران، مایوسشان می‌کردند. این خصلتی است که در مکتب امیرالمؤمنین (ع) آموخته بودند که: "کونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا".

به عنوان فردی که تدریس ایشان را از نزدیک ملاحظه

آشنایی شما با شهید آیت الله صدوقی از کی و کجا آغاز شد؟

در حدود سال ۱۳۳۰ شمسی در سال‌های اول دبیرستان تحصیل می‌کردم که خبر ورود حضرت آیت الله صدوقی از حوزه علمیه قم به شهرستان یزد به گوشم رسید. با امکانات محدودی که آن روز مردم داشتند، خود را آماده استقبال از ایشان کردند و طولی نکشید که جمعیت انبوهی با شور و شوق فراوان، در مسیر ورود آن عالم ربانی اجتماع کردند و با سلام و صلوات تا رسیدن به منزل ایشان را همراهی نمودند.

آشنایی من با آن شهید هم‌ام از سال‌های تحصیل در دبیرستان آغاز شد، زیرا در مدرسه علمیه خان سکونت داشتم و با طلاب و علما مانوس بودم و گاه و بیگاه در مدرسه‌های علمیه، ایشان را نیز زیارت و در نماز جماعتشان هم شرکت می‌کردم.

به خاطر دارم از همان وقت، بیان شیرین و اخلاق آن شخصیت بزرگ برایم جاذبه زیاد داشت و ادب و تواضع ایشان مرا به یاد بندگان خالص خداوند می‌انداخت و شاید بتوانم ادعا کنم که شان بسیار بالای علمای بزرگوار چون حضرت آیت الله حاج

شیخ غلامرضا فقیه خراسانی و تواضع، صفا و صمیمیت‌های شخصیت‌هایی چون شهید محراب و دیگر بزرگانی که آن روز در گوشه و کنار استان یزد زندگی می‌کردند، یکی از عوامل مؤثر در روی آوردن این ناچیز و دوست‌نم به تحصیل علوم دینی و فراگرفتن معارف اسلامی است و از این جهت خود را مرهون آن انسان‌های بافضیلت و وارسته می‌دانم. خداوند آنان را با اولیایشان محشور بفرماید و به ما توفیق تخلص به اخلاق و پیروی از راهشان را عنایت کند.

شبهه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی ایشان را بیان کنید.

نکاتی را که از اخلاق و روش آن شهید عزیز بیان می‌کنم، برداشتی است که از آغاز آشنایی‌ام با ایشان دارم. در مرحله نخست "تواضع و فروتنی" از نکات برجسته اخلاقی ایشان بود. انسان در اولین رویارویی باحضرت آیت الله صدوقی احساس می‌کرد با کسی روبرو شده که چون خود اوست، نمی‌خواهد از او جدا شود و هرچه را که بخواهد، می‌تواند با ایشان مطرح کند. همه وجودشان برای شنیدن، گوش بود و برای دیدن، چشم و برای حل مشکل، دست و برای دلداری و آرامش بخشیدن، راهنما. انسان با ایشان احساس بیگانگی نمی‌کرد و حجب و فاصله مانع از بیان مشکلات نمی‌شد.

در مقابل بچه‌های کوچک چون پدري مهربان، در برابر جوانان چون رفیقی باعظمت و در رویارویی با عالمان سالخورده و جهانبوده، ساکت و متواضع بودند و پادشاه فروتنی و تواضع هم، رفعت مقام و ترفیع درجه‌ای بود که از ناحیه خداوند به این عزیز عنایت شد.

از دیگر ویژگی‌های ایشان می‌توان به "زهد و ساده‌زیستی" اشاره کرد. کسانی که با زندگی و اخلاق شهید بزرگوار آشنا بودند، این

**از دیگر ویژگی‌های ایشان ترویج مکتب با امر به معروف و نهی از منکر بود. کمتر کسی به خاطر دارد که آن شهید با منکری روبرو شود و با آن مقابله نکند و یا معروفی متروک شود و ایشان در صدد احیای آن برنیاید.**

که وحشت، عاملین دفتر را فرا گرفت و از اعمال مقاصد شوم خود منصرفشان کرد.

ایشان با مسئولی که توان خدمت‌گزاری خالصانه را نداشت به گونه‌ای روبرو می‌شدند که فرار را برقرار ترجیح می‌داد. در مقابل جوسازی‌ها با همه وجود می‌ایستادند و در حالی که ضعف و نقاهت دوران پیری بر وجودشان حاکم بود، صلابت و قدرت کم‌نظیری داشتند.

#### از خدمات ایشان به مردم یزد مصادیقی را بیان فرمایید.

در این زمینه می‌توان به احداث مساجد و مدارس علوم دینی، اعزام مبلغ و رسیدگی به مناطق محروم اشاره کرد. روح بزرگ، همت والا، دوراندیشی و آینده‌نگری حضرت آیت‌الله شهید، در عملکرد گسترده و همه‌جانبه آن مرحوم تأثیر زیادی داشت و شعاع خدمات ایشان را در بسیاری از استان‌ها گشایند.

تعداد مساجدی که به دستور ایشان بنا شده و مدارس علوم اسلامی و کتابخانه‌هایی که با همت آن مرحوم به بهره‌برداری رسیده، بیش از آن است که در این مختصر نامی از آنها برده شود. روضه محمديه در مرکز استان یزد و بنیاد عظیم صدوق در حوزه علمیه قم و ده‌ها مرکز دیگر در استان‌ها، شهرها و روستاها، باقیات صالحاتی هستند که از آن شهید و الامقام به‌جا مانده‌اند. اعزام مبلغ به مناطق محروم و روستاهای دورافتاده و تفقد از حال مستمندان و بی‌نویان و تهیه آذوقه برای مناطق مرزی جنوب کشور و ساخت و ساز منازل برای زلزله‌زدگان استان کرمان و تهیه سرپناه و مسکن برای مناطق جنگزده استان‌ها را باید جلوه‌ای از برکات و وجودی این شهید بزرگوار دانست.

**در پایان اگر نکته دیگری در خصوص آن شهید بزرگوار باقی مانده است، بیان کنید.**

از پروردگار مسئله دارم ملت ما به‌خصوص نسل جوان عزیز جامعه را با مکتب اسلام و معارف قرآن آشنا و دست‌خانیان و مهاجمین بی‌انصاف به فرهنگ ناب تشیع را با قدرت و اراده خود قطع کند، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای "دام‌ظله‌العالی" و همه خدمت‌گزاران مخلص به‌نظام را تا زمان ظهور حضرت ولی‌عصر "ارواحنا فداه" از خطرات محافظت فرماید و ذریه این شهید بزرگوار، به‌خصوص فرزند صالح و خدمتگزارش حضرت حجت‌الاسلام آقای شیخ محمدعلی صدوقی امام جمعه محترم یزد را در زنده نگاه داشتن افکار بلند و راه مستقیم سلف صالح خود بیش از پیش موفق بدارد. ان شاءالله.

از پیشگاه شهید به‌خاطر قصور و نقصی که در این بیان وجود دارد و نمی‌تواند منعکس‌کننده ملکات اخلاقی، فضائل نفسانی و صفات عالیه ایشان باشد معذرت می‌خواهم. سلام علیهم یوم ولد و یوم قتل فی سبیل الله و یوم بیعت حیا. ■

پیرمرد مجاهد با چهره‌ای نورانی در خط مقدم جبهه‌ها حضور داشت.

ایشان علاوه بر کمک‌های معنوی، خدمات رفاهی و مادی بسیاری را توسط امیران لشکر اسلام به مجاهدین در راه حق ارائه می‌دادند و در آخرین خطبه نماز جمعه‌ای که در روز ۶۱/۸/۸۱، یعنی دقایقی قبل از شهادت ایراد می‌کنند می‌فرمایند: "الحمد لله نیروی اسلام بالاترین نیروهاست و نشان دادید که با نیروی الله و گفتن الله اکبر بر همه مشکلات فائق خواهید آمد، انتم الاعلون ان کتم مؤمنین" عراقی که در کمال قدرت نیروی زمینی بود، به‌خصوص از جهت تجهیزآتش، با آن قدرت، همه را از بین بردید و نابودش کردید. بدانید که بر اسرائیل هم فائقید."

#### نگاه ایشان به مقوله ولایت فقیه چگونه بود؟

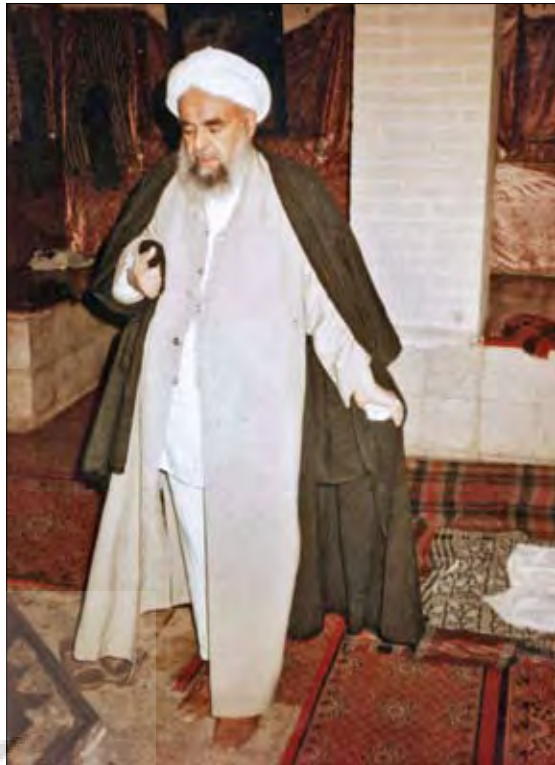
آن شهید بزرگوار در برابر رهبر و اطاعت از مقام ولایت، تسلیم بود. ایشان که آثار ایمان به غیب و ولایت اولیا خداوند در همه شئون فردی، اجتماعی و سیاسی‌اش مشاهده می‌کردید، به مسئله رهبری و ولایت فقیه اعتقاد کامل داشت و در برابر امر و نهی و خواست امام بزرگوار تسلیم بود. توطئه منافقین را در تضعیف ولایت فقیه قبل از همه احساس می‌کرد و با کمال قدرت به مقابله با آن برمی‌خاست، از کبان روحانیت مبارز و متعهد دفاع می‌کرد، مردم را از دو دستگی و افتراق برحذر می‌داشت، مقتضیات زمان را به‌خوبی درک و برای هر دردی، درمانی مناسب ارائه می‌کرد، از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی با تعبیر "زعیم عالی قدر جهان اسلام"، "قائد بزرگوار و نائب حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه" یاد می‌کرد و نصرت و پیروزی ملت را مروه انفاس قدسیه و دعاهای نیمه‌شب آن جناب می‌دانست و پیوسته مردم را به پیروی از رهبری و تقویت ولایت فقیه دعوت می‌کرد. در جملات پایانی آخرین خطبه‌های نماز جمعه روز ۶۱/۸/۸۱، لحظاتی قبل از رسیدن به فوز شهادت، خطاب به مردم می‌فرمایند: «پشتیبانی کامل از فرمان امام برای همه ضرورت دارد، همه ما یک جهت می‌گوییم: فرمان، توست ای امام بزرگوار. آنچه را تو دستور می‌دهی، دستورات تو را بر سر می‌گذاریم و با جان و دل فرمانت را اطاعت می‌کنیم...» و خطبه را با دعا برای امام امت، پیروزی رزمندگان و نابودی دشمنان به‌خصوص آمریکا و صدام به پایان می‌رساند و پس از ادای نماز جمعه بلافاصله همانند مولایش امیرالمؤمنین (ع) در خانه خداوند به فوز شهادت نائل می‌شود و به شهادی راه حق و فضیلت می‌پیوندد.

**آیا از نقش آیت الله صدوقی در تدوین قانون اساسی و اضافه نمودن جایگاه ولایت فقیه در آن نیز نکاتی در خاطر دارید؟**

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، ایشان از استان یزد به مجلس خبرگان راه یافتند و در تدوین قانون اساسی و تثبیت اصل ولایت فقیه و مقابله با غرب زده‌ها و لیبرال‌ها بسیار نقش موثری را ایفا نمودند. بر همین اساس نهضت آزادی و رییس جمهور مخلوع و فراری بنی‌صدر از موضع‌گیری قاطع شهید وحشت زیادی احساس می‌کردند و با کمترین حرکت برای پیاده‌کردن مقاصدشان با برخورد جدی و عملی شهید روبرو می‌شدند و بساطشان را بر می‌چیدند.

#### مواجهه ایشان با جریان‌های ضدانقلاب چگونه بود؟

شهید صدوقی شاید یکی از اولین شخصیت‌هایی بودند که توانستند سراب را از آب و سره را از ناسره جدا و به ملت معرفی کنند. شناسخت خطوط التقاطی و ملی‌گرایان کم‌مایه و غرب‌زده و مقابله با آنها از این جمله بود. موضع‌گیری‌های صریح و بی‌پرده ایشان با نهضت آزادی و لیبرال‌ها زبانه‌زبان خاص و عام است. بنی‌صدر در همه مراکز استان‌ها دفاتری را افتتاح کرده بود، ولی از تقاطعی که دفتر بنی‌صدر فراری و تشکیلات او نتوانستند جای پای داشته باشند، استان یزد بود. شهید به‌محض اطلاع از تاسیس دفتر در استان یزد دستور دادند به فاصله بسیار کوتاهی آثار آن محو شود و چنین شد



خاص، مردم را با بیان‌شان به وظایف خود آشنا می‌ساختند. در فن نویسندگی مهارت کاملی داشتند، آن هم قلمی که مدادش برتر از خون شهیدان بود. هر گاه نویسنده‌ای به خاطر ناآگاهی و یا از روی غرض به معارف اسلامی حمله می‌کرد و یا مطالب دینی را منحرف می‌نمود یا قلمی روبرو می‌شد که چون سیل خروشان، خار و خاشاک بافته هایش را نابود می‌کرد و حق را به جای آن می‌نشاند.

#### از ارتباط آیت الله صدوقی با حضرت امام نکاتی را ذکر کنید.

شهید محراب بیش از چهار سال سابقه دوستی و هم‌نشینی با بنیان‌گذار جمهوری اسلامی را داشتند. بر اساس این سابقه آشنایی با حضرت امام (ره)، همراهی شهید صدوقی با ایشان در همه مراحل مبارزاتی مشهود است. ایشان از همان آغاز نهضت در سال ۱۳۴۱ وارد میدان مبارزه شدند. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از اولین علما بلاد بودند که به خاطر دستگیری امام از یزد به تهران هجرت و در مجمع بزرگ علما و مراجع شرکت کردند و این تلاش به انحاء مختلف تا پیروزی انقلاب ادامه پیدا کرد. بیانیه‌ها، موضع‌گیری‌ها و روشنگری‌های حضرت آیت الله صدوقی، علاوه بر اینکه در آماده‌سازی مردم شهیدپرور استان یزد مؤثر بود، موجی را در سراسر کشور ایجاد و روحیه مقاومت و ایثار را در همگان زنده و نقشه شوم دشمنان و توطئه منافقان را خشتی می‌کرد. در این زمینه حدود دویست بیانیه و تلگرام (غیر از سخنرانی و خطبه) از ناحیه آن شهید مجاهد در طول چهار سال به‌جای مانده است. نقش ایشان در پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ و قیام مردم یزد بر کسی پوشیده نیست و در کتاب‌ها و مقالات به ثبت رسیده است.

#### از فعالیت‌های شهید صدوقی در دوران پس از انقلاب چه خاطراتی دارید؟

پس از انقلاب نیز آمادگی ایشان برای دفاع مقدس، حمایت از رزمندگان و نیروهای مخلص بسیار برجسته بود. هنگامی که جنگ بعث عراق و استکبار جهانی به انقلاب و ملت عزیز ایران تحمیل شد، شخصیت شهید ما در زمره اولین چهره‌هایی بود که روحیه مقاومت و پیروزی را در ملت تقویت و در تاریخ ۵۹/۷/۲ بیانیه‌های کوتاه و کوبنده را صادر و مردم را به توسل به خداوند دعوت کرد. این اطلاعیه با جمله: "بسم الله قاصم الجبارین، الاسلام یعلو و لایعلی علیه" شروع و به جمله «... بدانید خدایتان یار و نگهبان خواهد بود، ناراحتی به خود راه ندهید و خدا را فراموش نکنید.» ختم می‌شود. در دوره دفاع مقدس تا آن زمان که در قید حیات بودند، با همه وجود سپاه اسلامی را پشتیبانی و روحیه آنان را تقویت می‌کردند. در عملیات حساسی که علیه دشمنان بعثی آغاز می‌شد، این

